
**بسیج و کنش جمعی
در انقلاب جهانی مهدوی**

رحیم کارگر*

*. محقق و پژوهشگر مباحث مهدویت

چکیده

«وحدت و انسجام» افراد و جوامع در یک پیوند و تعامل مستقیم و چند بعدی به وجود می‌آید که می‌توان از آن به «کنش جمعی» تعبیر نمود؛ به خصوص زمانی که عده زیادی از مردم دارای اهداف و آرمان‌های مشترکی باشند و برای رسیدن به آنها، رویکرد واحدی اتخاذ کنند. دستیابی به جامعه برتر و موعود ادیان و فروکاهیدن از آلام و ستم‌ها و رسیدن به کمال و سعادت واقعی، آرمان ماندگار همه انسان‌های صالح، مستضعف و موحد است و این زمانی به دست می‌آید که همه حق طلبان، عدالت خواهان و یکتاپرستان در صف واحدی قرار گرفته و با پیوستن به انقلاب جهانی مهدوی، تحت رهبری و ولایت منجی موعود قرار گیرند؛ یعنی، این آرمان مشترک تنها در سایه یک انقلاب بزرگ و فراگیر و در یک تعامل جمعی به دست می‌آید. آنچه در این نوشتار مورد پژوهش قرار می‌گیرد، توجه به «کنش جمعی» در انقلاب جهانی به رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است. مهم‌تر از آن توجه بایسته به این مؤلفه است که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یک انقلاب و نهضت فراگیر و جهانی است که با همراهی و همدلی مردم - به خصوص گروه‌های مبارز و طرفدار حق - صورت می‌گیرد؛ امری که در مهدویت پژوهی مورد غفلت قرار گرفته و در عموم پژوهش‌ها، تنها از چشم‌انداز یک قیام و جنگ

محدود به آن پرداخته شده است! در حالی که در این نوشتار، این فرض مطرح می‌شود که این نهضت مقدس، یک انقلاب گسترده و مردمی است که توده‌های زیادی از مردم در یک بسیج فراگیر و جمعی به آن می‌پیوندند و این نهضت را یاری می‌رسانند.

کلید واژه‌ها: انقلاب، انقلاب جهانی، بسیج، وحدت (کنش جمعی)، نیروهای انقلابی.

چیستی انقلاب

پژوهش و مطالعه درباره «انقلاب» و کندوکاو دقیق و علمی، درباره چیستی و چگونگی آن، به علت وجود دیدگاه‌ها و تعاریف گوناگون درباره آن، با دشواری‌های خاص خود روبه‌رو است. دسته‌ای انقلاب‌ها را نتیجه اجتناب ناپذیر ساختار اجتماعی ادوار تاریخی می‌دانند.^۱ دسته دیگری با تکیه بر «عمل‌گرایی»، ضرورت انقلاب را به دلیل عینی بودن ثبات اجتماعی نفی می‌کنند.^۲ گروهی نیز معتقدند: «جامعه توده وار» که مبتنی بر ثبات سنتی ساختارهای معینی است، اگر مواجه با انهدام ساختارهای خود گردد، به سوی انقلاب مردمی گرایش می‌یابد.^۳ گروهی دیگر با توسل به توجیحات روان‌شناسی و اجتماعی، می‌کوشند انگیزه‌های «قیام بر ضد حکام مستقر» و یا عدم تحقق تصورات توده‌ها در کل دوره حیاتشان را شناسایی کنند.^۴ این گروه‌ها، طیف گسترده‌ای از اندیشه درباب انقلاب را به نمایش گذاشته‌اند.^۵ در توجیه اینکه «مفهوم انقلاب چیست»، اندیشمندان علوم اجتماعی تعریف‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱. نظریه مارکس.

۲. نظریه عمل‌گرایان.

۳. نظریه کورن‌هاوزر.

۴. نظریه پیتریم سوروکین.

۵. ر.ک: رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

۱. انقلاب؛ یعنی دگرگونی بنیادی افکار و رفتار فرد و جامعه، در جهت نیل به کمال مطلوب که به صورت سریع و نوعاً توأم با خشونت و خونریزی انجام می‌شود.^۱

۲. انقلاب عبارت است از تصرف قدرت دولتی از طریق وسایل خشن به وسیله رهبران یک جنبش توده‌ای، به منظور استفاده از آن برای اصلاحات عمده^۲ انقلابی طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یک سرزمین، علیه سطح حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب است. به بیان دیگر، انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم به منظور استقرار وضعی دیگر. به این ترتیب معلوم می‌شود که انقلاب عبارت است از نارضایتی و خشم از وضع موجود + آرمان یک وضع مطلوب + حسّ پر خاشگری و روحیه طرد ظلم.^۳

۴. انقلاب عبارت است از یک حرکت سریع و ناگهانی در ارزش‌ها و باورهای مسلط، رهبری و حاکمیت سیاسی برای بازگرداندن ارزش‌های اجتماعی که توأم با زور و خشونت داخلی باشد.^۴

و ده‌ها تعریف دیگری که افرادی نظیر استانفورد کوهن، کرین بریتون، هانا آرت، تالکوت پارسونز، چالمرز جانسون، آلکسی دو توکویل، پیتیریم سوروکین و... ارائه داده‌اند. به هر حال انقلاب، ابعاد و زوایای مختلفی دارد و آنچه در این نوشتار مورد توجه است، بعد «جمعی و گروهی»؛ آن، یعنی، بررسی «گروه‌های انقلابی» و شکل‌گیری کنش جمعی در آن است. بر این اساس می‌گوییم: انقلاب دگرگونی بنیادی غالباً قهرآمیز در ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه است. زمانی که گروه‌های ناراضی در جامعه نتوانسته باشند شرایط خود را به شیوه‌های صلح‌آمیز

۱. محمد باقر حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل شناخت انقلاب اسلامی در ایران، ص ۳۳.

۲. تعریف از آنتونی گیدنز.

۳. ر.ک: مصطفی ملکوتیان، نظریه‌های انقلاب، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۴. ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ص ۳۵۸.

و قانونی بهبود بخشند، گاه دست به کارهایی برای سرنگونی حکومت می‌زنند. دلیل زیر بنایی انقلاب آرزو یا اشتیاق برای تأسیس یک جامعه جدید است؛ جامعه‌ای که در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود، اساساً از نظام سابق ببرد. اصطلاح «انقلاب» همین طور به معنای قطع رابطه با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گذشته به کار می‌رود و غالباً با رشد و گسترش‌های عمده فرهنگی و صنعتی در یک جامعه همراه است. به بیان دیگر «انقلاب» در لغت برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، زیر و رو شدن، برگشتن، تغییر، تحول، شدن، شورش و ناآرامی و در اصطلاح رایج جهان، خیزش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت و ایجاد حکومتی نو، به منظور تغییرات اساسی و بنیادین در تمام نهادها، مناسبات، ساختار سیاسی و اجتماعی و جایگزینی سازمان جدید و مطلوب در چهارچوب اهداف و آرمان‌های خاص است. در آیات قرآن، واژه انقلاب به کار نرفته، ولی مشتقات آن (ده مورد) آمده است. در تمام این آیات به تناسب موضوع و منظور آیات، مفهوم لغوی آن؛ یعنی تغییر و دگرگونی و برگشتن مورد توجه بوده است که گاهی انقلاب به سوی تعالی و کمال است (اعراف، ۱۱۹) و گاهی بازگشت به عقب و انحطاط (آل عمران، ۱۶۴) و گاهی نه این و نه آن. در جهان غرب و فرهنگ آن، انقلاب گاه به معنای «کودتا» است؛ ولی در عربی «ثوره» یا از ریشه «ثار» به معنای شورش بر ضد حاکم جائر است و یا از «ثور»؛ یعنی، گاو نر است که کارش شیار و زیر و رو کردن زمین و کنایه از تحولات بنیادین است.^۱

بسیج در انقلاب

یکی از ویژگی‌های بارز انقلاب - در کنار رهبری پر قدرت و ایدئولوژی حاکم بر آن - بسیج توده‌های مردمی در جهت آرمان مشترک و موفقیت انقلابی است.

۱. ر.ک: اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

واژه بسیج به شکل متعارف معرفی کننده فرآیندی است که به واسطه آن، گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد، به مشارکت کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر بسیج؛ یعنی، گرد آوری منابع (انسانی و مادی) برای استفاده و عملی جمعی. به هر میزان بسیج در یک جمعیت بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن بیشتر می‌شود. به عبارتی قدرت آن افزایش می‌یابد و منابعی که هزینه می‌کند، کمتر می‌گردد.

درگیری و مناقشه، نوعی از تحركات سیاسی متداول است و انقلاب، تجلی ویژه درگیری عظیم سیاسی با قدرت حاکم می‌باشد که میزان موفقیت آن، بستگی به میزان سطح سازماندهی انقلابیون (هویت مشترک و ساختار وحدت بخش) دارد. هر قدر یک گروه از هویت مشترک و شبکه‌های داخلی وسیع تری برخوردار باشد، سازمان یافته تر است.^۱

انقلاب تجلی ویژه درگیری عظیم سیاسی با قدرت حاکم است که میزان موفقیت آن، بستگی به میزان و سطح سازماندهی انقلابیون دارد. مهم ترین مؤلفه وضعیت انقلابی، حضور فعال و وجود جنبش و گروه انقلابی و قیام کننده است که از طبقات و اقشار مختلف جامعه بوده و با همراهی، وحدت و هماهنگی (کنش جمعی)، برنامه‌های خود را به پیش می‌برند و برای رسیدن به اهداف خود، در بسیج عمومی می‌کوشند.

کنش جمعی مورد نظر، همان اتحاد و انسجامی است که در آموزه‌های دینی وارد شده و در همه امور - به خصوص در مسائل سیاسی و نظامی - بر آن تأکید گشته است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و

۱. ر.ک: الف. تیلی، چارلز، *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی رشدی زاده، ب. نش، کیت، *جامعه شناسی سیاسی*، ترجمه دلفروز، ج. حمیرا مشیر زاده، *در آمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*.

هر گونه وسیله وحدت) چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت [بزرگ] خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ...»^۱ و نیز می‌فرماید: «مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند [آن هم] پس از آنکه نشانه‌های روشن [پرورگار] به آنان رسید و آنها عذاب عظیمی دارند».^۲ به همین جهت در قرآن بر وجود امت واحده تاکید زیادی شده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»^۳.

پیامبر اسلام به وحدت و اخوت اسلامی تکیه نموده، می‌فرمود: «المؤمنون اخوة تتكافأ دماؤهم و هم يد علی من سواهم...»؛^۴ «مؤمنان برادرند، خون هایشان با یکدیگر برابری می‌کند و آنها یک دست و متحد در برابر دیگرانند». حضرت علی علیه السلام نیز در تشویق مسلمانان به وحدت و همدلی - به خصوص در عرصه جهاد و شهادت - می‌فرماید: «کجا هستند مردمی که به اسلام دعوت شده و پذیرفتند؛ قرآن تلاوت کردند و معانی آیات را شناختند؛ به سوی جهاد برانگیخته شده و چونان شتری که به سوی بچه خود روی می‌آورد، شیفته جهاد گردیدند؛ شمشیرها از نیام برآوردند و گرداگرد زمین را گروه گروه و صف به صف احاطه کردند؛ برخی شهید شدند و برخی نجات یافتند... آنان برادران من هستند...».^۵ از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است

۱. آل عمران (۳): ۱۰۳.

۲. همان: ۱۰۵.

۳. انبیاء (۲۱): ۹۲.

۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱، ۱۲.

که فرمود: «ایها الناس علیکم بالجماعة وایاکم و الفرقة»؛^۱ «ای مردم! بر شما باد به اتحاد و هم گروه بودن و بپرهیزید از تفرقه و جدایی» و نیز: «یدالله مع الجماعة»؛^۲ «دست خدا همراه با جماعت و گروه مسلمین است».

«انقلاب» متکی بر وحدت و قدرت عمومی و مردمی است که سازماندهی شده و تشکل یافته‌اند و در جهت نیل به اهداف، قدرت اجتماعی بزرگی را به وجود آورده‌اند. این قدرت اجتماعی، متشکل از گروه‌های فعالی است که بر پایه ارزش‌ها و باورهای مسلط و مشترک به هم نزدیک شده‌اند و زمانی که قدرت سیاسی، توانایی تأمین ارزش‌ها و خواسته‌های آنها را نداشته باشد یا نخواهد این ارزش‌ها و خواسته‌ها را تأمین کند، این گروه‌ها به دنبال رهبر یا رهبرانی که می‌توانند خواسته‌ها و نظرات آنها را تعقیب و تأمین نمایند، حرکت خواهند کرد. در ایجاد و تشکیلات قدرت انقلابی، سه رکن اساسی قابل تفکیک هستند:

۱. رهبری، ۲. مردم و گروه بندی‌های انقلابی، ۳. ایدئولوژی. مهم‌ترین شرط کافی، وجود رهبری است که نارضایتی‌ها را شناخته و برآورد دقیق از آنها داشته باشد؛ همچنین رهبر مخالفان و انقلابیون به مدد ایدئولوژی و جهان‌بینی‌ای که دارد و از طریق تبلیغ و ترویج آن، نظام ارزشی و عقیدتی دولت حاکم را بی اثر سازد و برای ارزیابی مردم ملاک‌های عقیدتی و ارزشی خود را بقبولاند. همچنین برای ترغیب و بسیج ناراضیان، سازماندهی لازم است.

انقلاب جهانی مهدوی

بر اساس اخبار غیبی، یکی از انقلاب‌های بسیار مهم و تأثیر گذاری که در آینده رخ می‌دهد، قیام جهانی مهدوی و خیزش صالحان و مستضعفان عالم، علیه مستکبران و

۱. کنز العمال، ح ۱۰۳۱.

۲. همان، ح ۲۰۲۴۱.

ستمگران است. این پدیده مهم و سر نوشت ساز، تغییرات و تحولات بنیادینی را در کل جهان و در ارزش‌ها، باورها، تفکرات، سیاست، اجتماع و اقتصاد به وجود می‌آورد و باعث دگرگونی‌های اساسی، در بسیاری از ابعاد و زوایای زندگی بشری می‌شود. در این انقلاب شکوهمند، مسیر حرکت تاریخ تغییر یافته و در جایگاه اصلی خود قرار می‌گیرد و توده‌های عمومی برای رسیدن به جامعه موعود، تحت فرمان رهبری الهی، خیزش و نهضت فراگیری را شکل می‌دهند. این قیام دارای ویژگی‌هایی است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. این انقلاب رنگ و بوی الهی دارد و بر اساس آموزه‌های متعالی دینی (اصلاح‌گری، ظلم‌ستیزی و امر به معروف و نهی از منکر) شکل می‌گیرد.
۲. دارای اصالت و حقیقت است و آرمان‌ها و اهداف متعالی آن، از مکاتب و اندیشه‌های رایج بشری، سرچشمه نگرفته است.
۳. رهبری آن در دست شخصی الهی و مدیری توانا و دانشمند بوده که با هدایت و راهبری او، انقلاب به پیروزی می‌رسد.
۴. از پشتوانه مردمی برخوردار بوده و در سراسر جهان با استقبال و حمایت مردم رو به رو می‌شود.
۵. گروه‌های مبارز و قاطع و مؤمن، در شکل‌گیری و پیروزی نهایی آن ایفای نقش می‌کنند. اینان متعلق به نقاط مختلف جهان هستند.
۶. نهضت، فراگیر و جهانی بوده و تمامی نقاط عالم را در برمی‌گیرد (محدود به یک یا دو منطقه نیست).
۷. این قیام در امتداد نهضت‌های حق طلبانه پیامبران و اوصیای الهی بوده و به عنوان مصاف نهایی حق با باطل تلقی می‌شود.
۸. انقلاب مهدوی، دارای مشروعیت و حقانیت ویژه‌ای بوده و از حمایت‌های غیبی و الهی برخوردار است.

۹. وحدت و همدلی یکتاپرستان و گروه حق (کنش جمعی)، در این انقلاب به نحو احسن بروز می‌یابد و ...

بحث درباره شکل‌گیری و پیروزی این انقلاب و چرایی و چیستی آن، نیاز به مجال فراخ تری دارد و در این نوشتار تنها به بررسی و تبیین شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های انقلابی (کنش جمعی) پرداخته خواهد شد.
 این قیام دارای مراحل مختلفی است؛ از جمله:

۱. مرحله ظهور امام مهدی (عج) رهبر قیام به اذن و اراده الهی (آغاز انقلاب)؛
۲. جمع شدن یاران صالح و پرچمداران قیام (بسیج نیروهای انقلاب)؛
۳. فراگیری قیام و انقلاب علیه حکام ظلم و جور و فساد به همراهی یاران صالح و شایسته (حرکت انقلابی)؛
۴. پیروزی و شکست نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان و تسلط بر کل عالم (پیروزی انقلاب)؛
۵. تشکیل حکومت جهانی و انتخاب و نصب حاکمان جهان از سوی رهبر انقلاب؛
۶. سامان بخشی به همه امور و رشد و شکوفایی و تعالی جامعه بشری در همه زمینه‌ها (مرحله تثبیت انقلاب)

بر اساس روایات، انقلاب و حرکت حضرت مهدی علیه السلام بعد از فراهم شدن زمینه‌ها و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی نهضت از شهر مکه آغاز می‌گردد. با شروع قیام، از مناطق مختلف جهان (به خصوص ایران و یمن)، نیروهای انقلابی دست به کار شده و به یاری رهبری نهضت می‌شتابند و در طول انقلاب بر تعداد یاران و گروه‌های مبارز و مجاهد افزوده می‌شود. در نهایت درگیری‌هایی بین انقلابیون و نظام‌های حاکم (در حجاز، عراق، شام، روم و...) رخ می‌دهد که منجر به شکست همه مخالفان انقلاب جهانی می‌گردد. قیام بعد از ۷-۸ ماه کشمکش و نزاع، به پیروزی نهایی دست یافته و گروه‌های انقلابی و جهادی، بر کل جهان مسلط می‌شوند. در

این نوشتار تنها در صدد تبیین و شناخت گروه‌ها و طبقات مختلف انقلابی و کندوکاو درباره کنش جمعی در این قیام هستیم و بحث درباره چرایی و چیستی آن را به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم.

کنش جمعی (وحدت) در انقلاب جهانی مهدوی

اقدامات جمعی و گروهی که منجر به رسیدن به یک هدف و خواست مشترک می‌شود، «کنش جمعی» است و این تجلی کامل و واقعی در قیام حق طلبانه مهدوی دارد؛ یعنی، این نهضت با وحدت، همراهی، انسجام و تعامل گروه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه جهانی شکل می‌گیرد و پیروز می‌شود. در واقع این یک انقلاب بزرگ و کاملی است که در آن، شاهد مشارکت فعال و نظام مند نهضت‌ها و جنبش‌های مبارز و پیروی و اطاعت آنان از رهبر قیام هستیم و با ساماندهی و بسیجی که صورت می‌گیرد، اجتماع بزرگی از صالحان، مستضعفان، شیعیان و موحدان حق طلب و عدالت‌گرا به وجود می‌آید و تا این زمینه‌سازی و بسیج صورت نگیرد، امام مهدی، ظهور نخواهد کرد. در روایتی آمده است «لا یخرج القائم عجل الله فرجه حتی تکون تکملة الحلقة. قلت: کم تکملة الحلقة؟ قال عشرة آلاف»^۱ «امام صادق عجل الله فرجه فرمود: تا حلقه (گروه) تکمیل نگردد، قائم خروج نمی‌کند. [راوی گوید]: پرسیدم: کامل شدن حلقه به چند نفر است؟ فرمود: ده هزار نفر».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان الى الكوفة، فاذا ظهر المهدي بعثت اليه بالبيعة»^۲ «پرچم‌های سیاهی که از خراسان در می‌آید در کوفه فرود می‌آید. هنگامی که مهدی عجل الله فرجه ظهور کند، این پرچم‌ها برای بیعت به حضور او گسیل می‌شود».

۱. الغیبه نعمانی، ص ۳۰۷.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۶۷.

امام باقر علیه السلام فرمود: «فیخرج بالموالی و ضعفاء الناس فیسیرون الی النخيله باعلام هدی فیكون مجمع الناس کلها بالفاروق»؛^۱ «شیعیان و مستضعفان خروج می کنند و با پرچم های هدایت به سوی نخلیه می روند. آن روز مردم در فاروق گرد می آیند». در این روایت تأکید بر حضور عمومی مردم (مجمع الناس) در منطقه مشخصی به نام فاروق شده است و اینان جمع نمی شوند مگر برای انقلاب.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «و بینا هم کذلک اذ تقبل و رایات هدی من خراسان تطوی المنازل طیباً حیثینا و معهم نفرٌ من اصحاب القائم... ثم یخرج رجلٌ من موالی الکوفه ضعفاء...»؛^۲ «در آن میان پرچم های هدایت از خراسان بیرون آمده با شتابی هر چه تمام تر منازل را طی کرده، پیش می تازند و تعدادی از یاران قائم علیه السلام در میان آنها خواهند بود. آن گاه مردی از شیعیان غیر عرب با گروهی از مستضعفان از کوفه خروج می کنند...».

پس با آغاز انقلاب جهانی مهدوی علیه السلام و دعوت عمومی، حق طلبان، صالحان و مردم رنج دیده و از همه جا مأیوس (مستضعفان)، گرداگردش حلقه می زنند و با او بیعت می کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح طلب جهان، برایش مجهز می شوند و در تمامی صحنه ها و مصاف ها، به پیروزی دست می یابند.

در روایتی درباره گسترده گی و فراگیری این قیام آمده است: «[یاران مهدی علیه السلام] شرق و غرب جهان را فتح و تمام موجودات جهان را مسخر می کنند. هر یک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره های آهن سخت تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه های آهن برخوردند، آنها را پاره می کنند و تا وقتی که خشنودی خدا فراهم نشود، دست از جنگ بر نمی دارند».^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۴؛ بشارة الاسلام، ص ۵۹.

۲. الغیبه نعمانی، ص ۱۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

این روایات نشانگر آن است که پیروزی انقلاب مهدوی، با اتحاد و انسجام تشکیلاتی و نظام‌مند گروه‌های مبارز و با اطاعت و همراهی کامل با رهبر نهضت میسر می‌شود. البته ابتدا فراخوان و دعوت عمومی مبنی بر پیوستن به این نهضت رهایی بخش صورت گرفته و از همه جهانیان در خواست یاری و فرمان بری از امام می‌شود. یکی از صاحب نظران می‌نویسد: «هر حکومتی دارای پرچمی است که به وسیله آن شناخته می‌شود و قیام‌ها و انقلاب‌ها نیز از پرچم خاصی برخوردارند که آرم آن تا حدودی نمایانگر اهداف رهبرانش می‌باشد. انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز پرچم مخصوص دارد و بر آن شعاری نقش بسته است. البته درباره این شعار اختلاف هست؛ ولی نکته‌ای در همه اقوال مشترک است و آن اینکه مردم را به فرمان بری از حضرت مهدی علیه السلام دعوت می‌کند»^۱.

برای تحلیل و ارزیابی میزان کنش جمعی در انقلاب جهانی مهدوی علیه السلام توجه به مؤلفه‌های زیر بایسته است:

یکم. ظهور ائتلاف انقلابی

گروه‌های مبارز در عصر ظهور در جهت رسیدن به ارزش‌های متعالی و اهداف والا به رهبر نهضت پیوسته و دست به انقلاب می‌زنند؛ یعنی، ظهور ائتلاف انقلابی، زمانی صورت می‌گیرد که مشکلات و نارسایی‌ها در ابعاد مختلف هویدا شده و زمینه برای شکل‌گیری جنبش‌ها و خیزش‌های رهایی بخش فراهم می‌شود. این محرومیت‌ها و کاستی‌ها در عصر پیش از ظهور، شامل گسترش ظلم و ستم، انحطاط اخلاقی جوامع، حکومت فرومایگان، هرج و مرج و ناامنی، حق‌ستیزی، جنگ‌ها و کشتارها و... می‌شود. مهم‌تر از آن شکل‌گیری خواست‌های معنوی و ارزش‌گرایانه است. در این برهه، به اذن الهی و متناسب با شرایط زمانی و مکانی، امام مهدی علیه السلام ظاهر شده

۱. چشم‌اندازی به حکومت جهانی حضرت مهدی، ص ۶۵.

و اعلان قیام عمومی می‌کند. رسول گرامی اسلام به فرزند گرامی اش حسین بن علی علیه السلام فرمود: «یظهر امیر الامرۃ السلطان المأمول الذی تحیر فی غیبته العقول و هو التاسع من ولدک... یظهر علی الثقلین»؛^۱ «آن گاه امیرامیران... پادشاه منتظر - که در غیبتش همگان دچار حیرت می‌شوند - ظهور می‌کند. او نهمین فرزند تو است ای حسین!... بر انس و جن چیره می‌شود».

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «[مهدی] در آخر الزمان ظهور (خروج) می‌کند و ابری در برابر خورشید به وجود مقدسش سایه می‌اندازد... فرشته‌ای ندا در می‌دهد: این مهدی خلیفه خداوند است، از او پیروی کنید (هذا المهدی خلیفة الله فاتبعوه)».^۲ هنگام ظهور آن حضرت و یا مدتی پیش از قیام، جنبش‌های مختلفی در جهان به خصوص ایران و یمن و... آغاز می‌شود که رهبری آنها در دست افراد صالح و توانمند است. اینها خود را برای یاری امام مهدی علیه السلام آماده می‌کنند. در روایات به این گروه اشارات زیادی شده که ممکن است برخی از این گروه‌ها، مربوط به یک دسته خاص باشد. قرآن این گروه‌ها را تحت عناوینی چون گروه حقّ (در مقابل باطل)، صالحان و مستضعفان معرفی می‌کند و آینده را از آن‌ها می‌داند و پیروزی و موفقیت آنان را تضمین می‌کند. برخی از این ائتلاف‌ها و گروه‌های انقلابی و رهبران آنها عبارت‌اند از:

۱. سید حسنی و سید حسینی...^۳ و یا سید خراسانی.^۴
۲. قیام سید هاشمی از گیلان، با یاری سید مشرقی [از خراسان] (يقوم... واحد هاشمی بجیلان).^۵

۱. منتخب الاثر، ص ۵۷۸، ج ۲.

۲. امالی طوسی، ص ۹۱.

۳. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۲۶.

۴. الغیبة نعمانی، ص ۱۳۵.

۵. الزام الناصب، ص ۱۸۸.

۳. نهضت مردی از ایرانیان مقیم کوفه با گروهی از مستضعفان (یخرج رجل من موالی اهل الكوفة فی الضعفاء).^۱

۴. خیزش مردی از اهل بیت او (مهدی علیه السلام) از مشرق (یخرج قبل المهدی رجل من اهل بینه فی المشرق)^۲ و یا پرچم‌هایی از مشرق به رهبری مردی از تمیم (به نام شعیب بن صالح) (یقودها رجل من تمیم).^۳

۵. قیام مردی از قزوین هم‌نام با یکی از پیامبران.^۴

۶. خروج جوانانی از منطقه خودشان به رهبری مردی به نام صالح (یخرج الیهم فتیان من محالهم...)^۵.

۷. جنبش مردی از اولاد امام حسین علیه السلام از مشرق (یخرج رجل من ولدالحسین).^۶

۸. حرکت شعیب بن صالح از سمرقند (یکون خروج شعیب بن صالح من سمرقند)^۷

و....

با بررسی وضعیت این گروه‌های انقلابی - که شاید بعضی از آنها اشاره به یک شخص یا گروه باشد - روشن می‌شود که طیف‌ها و دسته‌های مختلفی از مناطق جهان به یاری قیام حضرت مهدی علیه السلام می‌شتابند.

دوم. سازماندهی

انقلاب مهدوی تجلی ویژه درگیری عظیم سیاسی با قدرت‌های جور و فساد است و میزان موفقیت آن، بستگی به عوامل متعددی دارد که یکی از آنها میزان

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۰۲.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۵۳.

۳. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۳۶.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

۵. الملاحم و الفتن، ص ۱۱۲.

۶. بشارة الاسلام، ص ۵ و ۱۳.

۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

سطح سازماندهی انقلابیون است؛ یعنی، هر اندازه، ساختار وحدت بخشی بر گروه‌های انقلابی عصر ظهور حاکم باشد و آنها هویت مشترک و انسجام درونی بالایی داشته باشند، درصد پیروزی و موفقیتشان بیشتر است. سازماندهی در انقلاب جهانی مهدوی در دو بعد مهم صورت می‌گیرد.

الف. هویت مشترک

نیروهای انقلابی - به خصوص رهبران قیام و یاران نزدیک حضرت مهدی عج - دارای هویت و ماهیت مشترکی بوده و از همسانی و یگانگی ویژه‌ای برخوردارند؛ چنان که امام علی ع فرمود: «ایشان یکدل و هماهنگ هستند (و قلوبهم مجتمع).^۱ در روایتی آمده است: «گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده‌اند. دل‌های آنان از محبت و خیر خواهی به یکدیگر آکنده است (قلوبهم مجتمع)».^۲

این مشترکات را می‌توان در مؤلفه‌های زیر تبیین نمود:

۱. هویت ایمانی؛ یاران مهدی عج، از نظر اعتقادی یکتاپرست و موحد بوده و معرفت عمیق و باور ژرفی نسبت به خداوند متعال دارند (رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدی فی آخر الزمان).^۳ آنان به وحدانیت خداوند - آن چنان که حق وحدانیت او است - اعتقاد دارند (فهم الذین وحدوا الله حق توحیده)^۴ و در طریق عبودیت، اهل جدیت و تلاش‌اند (مُجَدِّون فی طاعة الله).^۵ غبار تردید در ذات مقدس خداوند، خاطرشان را نمی‌آلاید (لایشوبها شک فی ذات الله).^۶

۱. *یوم الخلاص*، ص ۲۲۴.

۲. *الزام الناصب*، ص ۲۳۰.

۳. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۸۷؛ *منتخب الاثر*، ص ۶۱۱.

۴. *بشارة الاسلام*، ص ۲۲۰.

۵. *همان*، ص ۹.

۶. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. **هویت فکری؛** انقلابیون عصر ظهور انسان‌هایی خردمند، بصیر، خوش فکر و آگاه هستند که با درایت و هوشیاری، راه خود را انتخاب کرده و به یاری دین حق و نهضت حق طلبان می‌شتابند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «چون فرمان خدا آزمایش را به سر آورد، شمشیرها در راه حق آختند و بصیرتی را که در کار دین داشتند، آشکار کردند. طاعت پروردگارشان را پذیرفتند و فرمان واعظشان را شنیدند»^۱ و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گویی دل‌های آنان، مشعل نورانی [حکمت] است (فان قلوبهم القنادیل)».^۲ از حضرت علی علیه السلام نقل شده است: «... دیده‌های آنان به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش هایشان جا گرفته است. در شب جام حکمت را به آنها می‌نوشانند، بعد از اینکه در بامداد هم نوشیده باشند».^۳

۳. **هویت اخلاقی؛** یاران انقلاب جهانی مهدوی، انسان‌هایی وارسته، صالح و نیک اخلاق هستند و از پلیدی‌ها و کژی‌ها به دور می‌باشند. آنان شایستگان و شاهدگانی‌اند که در قرآن و زبور مژده وراثت بر روی زمین به آنان داده شده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».^۴ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «منظور از اینکه زمین را بندگان صالح خدا به ارث می‌برند، مهدی قائم علیه السلام و یاران او هستند».^۵ و نیز فرمود: «گویا من نظر می‌کنم به قائم و اصحاب او در نجف کوفه؛ سجده‌ها به پیشانی‌های آنها اثر گذشته است. آنان شیران در روز و راهبان در شب‌اند».^۶ امام حسن عسکری علیه السلام درباره نیروهای انقلابی و یاری دهنده

۱. نهج البلاغه، خطبه، ۱۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. همان، ص ۳۳۷، ج ۶۴.

۴. انبیاء (۲): ۱۰۵.

۵. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.

۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

فرزندش حضرت مهدی علیه السلام به ایشان فرمود: «روزی را می بینم که پرچم های زرد و سفید در کنار کعبه، به اهتزاز در آمده، دست ها برای بیعت تو، پی در پی صف کشیده اند. دوستان با صفا، کارها را چنان به نظم و ترتیب در آورده اند که همچون دانه های دُرّ گران بها در رشته ای قرار گیرند؛ شمع وجودت را احاطه کرده اند و دست هایشان برای بیعت با تو، در کنار حجرالاسود به هم می خورد. قومی به آستانه ای گرد آیند که خداوند آنان را از سرشتی پاک و ریشه ای پاکیزه و گران بها آفریده است. دل هایشان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه است. به فرمان های دینی فروتنند و دل هایشان از کینه و دشمنی پیراسته، رخسارشان برای پذیرش حق آماده است و سیمایشان با نور فضل و کمال آراسته. آیین حق را می پرستند و از اهل حق پیروی می کنند»^۱.

۴. **هویت سیاسی؛** نیروهای انقلابی در عصر ظهور، حق گرا، ظلم ستیز و باطل گریز هستند که علیه ظلم و ستم فراگیر قیام کرده و نهضت عدالت خواه و حق طلب خود را تحت رهبری امام زمان علیه السلام قرار می دهند. آنان حزب الله و گروه حقی هستند که مصاف نهایی علیه باطل را رقم خواهند زد. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به وسیله آنان امام حق را یاری می دهد»^۲. در روایتی آمده است: «خداوند حق را به دست آنان، ظاهر می کند و باطل را با شمشیرهایشان نابود می سازد»^۳. حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید: «بعد از او (امام حسن عسکری) فرزندش مهدی، قائم و حجت خوانده می شود و غایب خواهد شد تا زمانی که بیرون آید و ظهور کند. پس زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ آن طور که از جور و ستم پر شده باشد. خوشا به حال صبرکنندگان و برد باران غیبت او و خوشا به حال کسانی که ایشان را دوست

۱. همان، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۰۸.

۳. امالی طوسی، ص ۳۵۲، ج ۷۲۶.

می‌دارند. خداوند در وصف آنان فرمود: «اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون»؛ «آنان حزب الله‌اند، بدانید حزب الله پیروز است».^۱

۵. هویت اجتماعی؛ عموم انقلابیون در عصر ظهور از طبقات مستضعف، محروم از قدرت، ستم‌دیده و رنج‌دیده جوامع بشری هستند که قرآن وعده پیروزی و حاکمیت بر روی زمین را به آنان داده است: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».^۲ امام علی علیه السلام فرمود: «مستضعفان زمین که در قرآن از آنان یاد شده و خداوند آنها را پیشوا قرار می‌دهد، ما اهل بیت هستیم. خداوند مهدی ما را بر خواهد انگیخت. پس آنان را عزت و دشمنانشان را ذلت خواهد داد».^۳ با بررسی این روایات و سایر احادیث، روشن می‌گردد که بین یاران حضرت مهدی، وجوه اشتراک فراوانی وجود دارد و آنان امت واحده و جمع متشکلی به وجود می‌آورند و یکدل و متحد عمل می‌کنند.

ب. ساختار وحدت بخش

مرحله دوم ساماندهی نیروهای انقلابی، ایجاد ساختار وحدت بخش در مهندسی قیام و جمع‌آوری نیروها است. در گام اول گزینش کاملی از آنان - به خصوص اصحاب خاص - صورت می‌گیرد. همه انبیا و مصلحان الهی، هسته‌های اصلی نهضت خویش را با آزمایش برگزیده‌اند؛ چرا که راه دشوار است و آمیخته با رنج‌ها و بدون داشتن یارانی آبدیده، سرد و گرم چشیده، فداکار و باوفا، نمی‌توان خطر کرد. طالوت - که در روایات یاران مهدی به یاران او تشبیه شده اند - در نبرد با جالوت، لشکریانش را با تشنگی آزمود. تن پروران و ناشکیبایان نظم را بر هم زدند و حریصانه به آب افتادند؛ ولی صبور مردان از آن آب لب‌تر نکردند و بدین وسیله گروه مؤمن و

۱. ینابیع، ص ۶۴۲.

۲. قصص، (۲۸): ۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۳.

بصیرشناسایی شدند. یاران مهدی علیه السلام نیز برای رسیدن به درجه شایستگی همراهی، از غربال‌های گوناگون، گذر داده می‌شوند و پس از پیمودن مراحل دشوار به قله رفیع «نصرت» بالا می‌روند.^۱ به میزان درجات ایمان و گذر از آزمون‌ها - که در روایات به آنها اشاره شده^۲ - منتظران متمایز می‌شوند و به میزان مایه‌های ایمان، در یاری امام، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند. به فرموده امام صادق علیه السلام: «در وقت ظهور، برخی یاران شب در بستر ناپدید می‌شوند و فردای آن در مکه‌اند و گروهی روز در آسمان ره می‌سپرنند. گفتم: فدایت شوم، کدام یک ایمانشان بیشتر است؟ فرمود: آن که در آسمان حرکت می‌کند».^۳ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد قیام می‌کند، دوستانش را به کمک قدرت تشخیصی که دارد، از دشمنانش می‌شناسد».^۴ آنان در قالب گروه‌ها و دسته‌های مبارزی در می‌آیند که اطاعت و فرمانبری کامل از رهبر انقلاب دارند. امام صادق علیه السلام فرمود: «اطاعت آنان از امام، بیشتر از فرمانبری کنیز در برابر مولایش است».^۵

گویا این گروه‌بندی، در دو طیف مصاف، محقق می‌شود و هر کدام در ساختاری معین و متحد قرار گرفته و آماده نزاع می‌شوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «دنیا به آخر نمی‌رسد تا وقتی که ندا کننده‌ای از آسمان بانگ می‌زند که ای اهل حق! یک جا جمع شوید، پس همه آنها در یک سرزمین جمع می‌شوند (یا اهل الحق اجتمعوا فی صعیب واحد). بعد از آن دفعه دیگر ندا می‌کنند: ای اهل باطل! یک جا جمع شوید، پس اینان نیز در یک سرزمین جمع

۱. ر.ک: چشم به راه مهدی، ص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۲. ر.ک: کمال الدین، ص ۳۵۶.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.

۴. همان، ج ۵۱، ص ۴۹۳.

۵. همان، ج ۵۱، ص ۳۰۸.

می شوند (یا اهل الباطل اجتمعوا فی صعيد واحد)^۱. امام رضا علیه السلام می فرماید: «سوگند به خدا که اگر قائم ما قیام کند، خداوند شیعیان را از همه شهرها نزد او گرد می آورد»^۲.

از آنجایی که امام خود در رأس نهضت قرار دارد و هدایت و فرماندهی آن را به دست می گیرد، سازماندهی دقیق و فراگیری از گروه های مبارز، صورت گرفته و نظم و انضباط خاصی حاکم می شود. حضرت علی علیه السلام در روایتی به تعداد یاران و اصحاب خاص اشاره کرده و ایشان را امیر و رهبر آنان دانسته است: «اما والله! انی لأعرف امیرهم و اسمهم...»^۳؛ «به خدا سوگند! من امیر آنان را می شناسم و اسمش را می دانم». نیروهای متحدالشکل و نظام مند امام علیه السلام، منظم ترین نیروهای انقلابی جهان هستند. حضرت علی علیه السلام آنان را این گونه می ستاید: «گویا آنان را می نگرم؛ زی و هیأتی یکسان، قدو قامت برابر، در جمال و برازندگی همانند و هم لباس اند (کافی انظر الیهم و الزی واحد و...)»^۴. آنان در آغاز و انجام کارها سازماندهی دارند و در بیعت با امام و دعوت به قیام و جهاد با دشمنان هماهنگ عمل می کنند. دوستانی با صفایند و کارها را ماهرانه به نظم و ردیف در آورده و پیشاپیش، مقدمات حرکت را برای امام فراهم می کنند. نظم و ترتیب کارهای آنان، همچون دانه های در گران بهایی است که در رشته قرار می گیرند...^۵.

سوم. بسیج نیروهای انقلابی

وضعیت انقلابی زمانی به وجود می آید که کنش جمعی (وحدت و انسجام) بیشتر

۱. الغیبه نعمانی، ص ۳۲۰، ج ۹.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴.

۳. الغیبه نعمانی، ص ۳۱۲، ج ۲.

۴. الملاحم و الفتن، ص ۱۴۸.

۵. ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴.

باشد؛ یعنی، بسیج منابع، به شکل گسترده و فراگیر اتفاق افتد. هر چه میزان بسیج در یک جمعیت یا سازمان بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن نیز بیشتر می‌شود. در نتیجه قدرت و توانایی آن بالایی رود و نتایج بهتری به دست می‌آورد. از طرفی هر قدر بسیج گسترده‌تر و بیشتر باشد، منابعی که هزینه می‌کند، کمتر می‌گردد. پیش‌تر گذشت که انقلاب جهانی مهدوی، با ظهور گروه‌های انقلابی و سازماندهی آنها (هویت مشترک و ساختار وحدت بخش) آغاز می‌شود.

بر اساس روایات، قیام امام مهدی علیه السلام با ۳۱۳ تن یار خاص شروع می‌شود؛ لکن فعالیت و تلاش برای گسترش انقلاب به دیگر نواحی جهان و آزادی ملت‌های در بند، پس از گرد آمدن ده هزار تن آغاز می‌گردد. شکی نیست که به تدریج بر تعداد این گروه افزوده شده و مبارزان و گروه‌های انقلابی دیگر وارد صحنه قیام می‌شوند. البته قبل از ظهور آن حضرت نیز نهضت‌های آزادی بخشی در اقصی نقاط جهان (به خصوص ایران و یمن) به وجود آمده و زمینه را برای آغاز انقلاب فراهم می‌سازند. نکته قابل توجه اینکه گروه‌ها و اقشار مختلف مردم - حتی فرشتگان - جزء حامیان این نهضت بوده و با آن همراه و هماهنگ خواهند بود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «شیعیان و یاران مهدی علیه السلام از سراسر زمین به سوی وی حرکت می‌کنند؛ زمین زیر پایشان جمع می‌شود و باطنی الارض به امام می‌رسند و با او بیعت می‌کنند».^۱ امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که مهدی ظهور می‌کند، نام او بر سر زبان‌ها خواهد بود و وجود مردم سرشار از عشق به مهدی است؛ به گونه‌ای که جز نام او، هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با دوستی او، روح خود را سیراب می‌کنند».^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مهدی از امت من، ظهور می‌کند؛ خداوند او را به عنوان

۱. عقد الدرر، ص ۶۵.

۲. احقاقی الحقی، ج ۱۳، ص ۳۲۴.

فریادرس انسان‌ها می‌فرستد. آن زمان مردم در نعمت به سر خواهند برد.^۱ عموم مردم جهان، نه تنها از ظلم‌ها و جنگ‌ها و فسادها دلزده و رنجیده‌اند؛ بلکه واقعاً خواهان عدالت و منجی عادل و عدل‌گستر هستند و به همین جهت از این انقلاب پشتیبانی خواهند نمود.

گروه‌های خاص انقلابی، در روایات به شرح زیر معرفی شده‌اند:

۱. هسته مرکزی انقلاب

وقتی نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از مکه آغاز می‌شود، مورد پشتیبانی و حمایت ۳۱۳ تن از انسان‌های صالح، وارسته، شجاع و برگزیده قرار می‌گیرد. آنان ضمن شناخت امام علیه السلام با او بیعت می‌کنند و اطاعت و فرمان‌بری کامل خود را اعلام می‌دارند. پس از آن هدایت و کنترل اوضاع را در مکه به دست گرفته و عهده‌دار مسؤولیت‌های مختلف (نظامی، امنیتی، فرهنگی و...) می‌شوند. آنان پرچمداران نهضت و فرماندهان نظامی هستند که پس از پیروزی قیام و تسلط بر جهان، حکومت مناطق و کشورهای مختلف را در دست می‌گیرند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گویا قائم را بر فراز منبری در کوفه می‌بینم و پیرامون او، یارانش قرار دارند که ۳۱۳ تن به تعداد اصحاب بدر می‌باشند. آنان پرچمداران قیام (اصحاب الاولویه) و حاکمان زمین از سوی خداوند در بین بندگان او هستند».^۲ این ۳۱۳ تن از اطراف جهان و دورترین نقطه‌ها جمع شده و به قائم علیه السلام می‌پیوندند؛ چنان که در حدیثی از امام باقر علیه السلام بیان شده است: «خداوند [برای قائم] از دورترین شهرها (من اقصی البلاد) به تعداد مجاهدان بدر، ۳۱۳ تن مرد را جمع می‌کند».^۳ آن حضرت همچنین می‌فرماید: «هسته مرکزی یاران قائم، ۳۱۳ تن هستند؛ برخی از آنان در روز روشن با نام و نشان

۱. عقد الدرر، ص ۱۶۷.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، ح ۲۴۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.

و حسب و نسب شناخته شده و به طور آشکار به وسیله ابرها به سوی آن حضرت می‌شتابند و برخی همان گونه که شبانگاه بر بستر خویش خفته‌اند، بدون وعده و آگاهی پیشین [در مکه] به خدمت سالار خویش مفتخر می‌گردند.^۱

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «یاران مهدی از کران تا کران گیتی به سوی او می‌شتابند و زمین زیر پای آنان بسان طوماری، در هم پیچیده می‌شود تا هر چه سریع‌تر به مکه برسند و با آن گرامی بیعت کنند؛^۲ یعنی، همه چیز دست به دست هم می‌دهند که آنان هر چه زودتر به امام برسند و اطاعت و فرمان‌بری خود را اعلام کنند. هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین با امام قائم علیه السلام بیعت می‌کنند، همین ۳۱۳ تن هستند. این مطلب را امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی بیان کرده است.^۳ پس از این بیعت است که قیام شروع می‌شود و یاران حضرت به ده هزار تن می‌رسند. اینان افرادی نیرومند و رشیدند که تحت لوای امام و فرماندهی ۳۱۳ تن مکه را فتح می‌کنند و به طرف مدینه و سپس کوفه حرکت می‌نمایند.^۴

۲. بسیج نیروهای رزمی (منابع)

۲-۱. نیروی انقلابی ده هزار نفری

پس از حضور ۳۱۳ تن از یاران خاص در رأس قیام مهدوی، ده هزار نیروی سازمان دهی شده، به آنان می‌پیوندند و نهضت را آغاز می‌کنند. امام باقر علیه السلام فرمود: «فاذا اجتمع اليه العقد و هو عشرة آلاف رجل خرج...»؛ «آن گاه که ده هزار نفر نزد او گرد آیند [از محل اولیه قیام، به سوی دیگر مناطق] حرکت خواهد کرد».^۵ امام صادق علیه السلام

۱. الغيبة نعمانی، ص ۳۱۲، باب ۲، ح ۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹.

۲. الفصول المهمة، بخش ۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۳. ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۴. ر.ک: حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، ص ۱۷۴.

۵. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

فرمود: «قائم در میان کمتر از فئه (گروه) خروج نخواهد کرد و فئه از ده هزار کمتر نیست». ^۱ ابوبصیر نیز می گوید: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با قائم خروج می کنند؟ مردم می گویند با او ۳۱۳ تن به تعداد مجاهدان بدر خروج می کنند؟ فرمود: به جز [اینها] در بین عده ای اولوالقوه (نیرومند)، خروج می کند و اینها کمتر از ده هزار نفر نیستند». ^۲ بر اساس روایتی امام علی علیه السلام می فرماید: «مهدی علیه السلام با لشکری دوازده هزار نفری یا پانزده هزار نفری از مکه حرکت می کند و در دل دشمنان ترس و وحشت می اندازد...». ^۳

۲-۲. هفتاد هزار صدیق و ۳۶ هزار محافظ

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وقتی قائم ظهور می کند و به کوفه وارد می شود، خداوند از ورای کوفه، هفتاد هزار صدیق را بر می انگیزد که یارو یاورش باشند». ^۴ علاوه بر این در روایتی آمده است «تعداد محافظان وی ۳۶ هزار نفراند و بر سر هر یک از بزرگ راه های منتهی به بیت المقدس، دوازده هزار نفر مستقر می شوند». ^۵

۲-۳. تمامی شیعیان

طبرسی صاحب *مجمع البیان* ذیل آیه «*اینما تکنونوا یات بکم الله جمیعاً*» می نویسد: «در اخبار اهل بیت علیهم السلام نقل شده که مقصود اصحاب مهدی علیه السلام در آخر الزمان است» و امام رضا علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند، خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد». ^۶

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۶، ح ۵۴۹.

۲. همان، ص ۲۹، ص ۲۳۴.

۳. *معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام*، ج ۱، ص ۴۰۸.

۴. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۴، ح ۷۸۸.

۵. *عقد الدرر*، ص ۱۴۳.

۶. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، ح ۴۱۵.

۲- ۴. سایر گروه‌ها

نیروهای انقلابی، منحصر در این تعداد نیست؛ چنان که حر عاملی می‌گوید: «در روایت است که تعداد یاران امام زمان علیه السلام صد هزار نفر است»^۱. حتی بر اساس روایتی عده‌ای از پیروان ادیان دیگر و صالحانی که از دنیا رفته‌اند (و رجعت کرده‌اند)، به انقلاب جهانی مهدوی می‌پیوندند. امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد ظهور کند، تعدادی از پشت کعبه بیرون می‌آیند که عبارت‌اند از: ۲۷ نفر از قوم موسی (آنان که به حق قضاوت می‌کردند)، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر»^۲ و...

در کنار این گروه‌های انقلابی، زنان مبارز و مجاهد نیز حضور داشته و با تمام توان به یاری نهضت خواهند شتافت. نخستین گروه از زنانی که جزء یاران امام زمان علیه السلام قرار می‌گیرند، کسانی‌اند که در زمان او زندگی کرده و همانند دیگر اصحاب به هنگام ظهور در مکه به انقلابیون می‌پیوندند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «و یجیء و الله ثلاثمائة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأه یجتمعون بمكة...»^۳؛ «به خدا سوگند! ۳۱۳ تن می‌آیند که پنجاه تن از این عده زن هستند که [بدون هیچ قرار قبلی] در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد...». علاوه بر این عده، سیزده زن نیز از یاران امام علیه السلام خواهند بود. مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «همراه قائم، سیزده زن هستند». عرض کردم آنان چه می‌کنند و چه نقشی دارند؟ فرمود: «زخمی‌ها را مداوا می‌کنند و از بیماران پرستاری می‌نمایند؛ همچنان که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند»^۴.

۱. همان، ج ۳، ص ۵۷۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۹۰.

۲. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۶.

۳. الغیبه نعمانی، ص ۲۷۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

۴. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۵؛ دلائل الامامة، ص ۳۵۹.

۳. نیروها و کنش گران انقلابی

بر اساس روایات چندین جنبش و گروه انقلابی عظیم به یاری نهضت جهانی امام مهدی علیه السلام می‌شتابند و با تمام وجود در پیروزی آن می‌کوشند. مهم‌ترین این نهضت‌ها، جنبش سید خراسانی و سید حسنی از ایران و جنبش یمانی از یمن است. علاوه بر اینها، دسته‌ها و گروه‌های مختلفی نیز به قیام حق طلبانه مهدوی علیه السلام می‌پیوندند. این گروه‌ها در روایات، چنین معرفی شده‌اند: عصبه من المسلمین، رایات سود، رایات من المشرق، ناس^۱ من المشرق، فتی التمیمی (صاحب رایاه المهدی)، فیتان من محالهم (جوانانی در منطقه خودشان)، اعوان آل محمد، عساکر خراسان، اصحاب السبال (یاران صاحبان ریش)، قوم خرجوا بالمشرق، رایات هدی (پرچم‌های هدایت)، انصار المهدی، عصائب، نجباء و... البته برخی از این عناوین، ممکن است مصداق واحدی داشته و مربوط به یک یا چند گروه خاص باشند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۳-۱. نهضت مردم مشرق زمین

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «یخرج ناس^۱ من المشرق یوطئون للمهدی»؛ «مردمی از مشرق خروج می‌کنند و برای حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی می‌نمایند» و نیز می‌فرماید: «اهل بیت من به سختی دچار بلاها و گرفتاری‌ها می‌شوند و آن‌گاه خداوند پرچم‌های سیاهی را از طرف مشرق می‌فرستد. هر کس آنها را یاری کند، خدا را یاری کرده است و هر کس آنها را زبون سازد، خدا را زبون ساخته است. این پرچم‌ها به اهتزاز در می‌آید تا با مردی که هم نام من است، بیعت نموده و او را به رهبری خود انتخاب کنند و خدایش او را تأیید می‌کند».^۲ از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است: «پرچم‌های بی نام و نشان از خاور زمین به اهتزاز در می‌آید که از پنبه و کتان

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۶۷؛ منتخب الاثر، ص ۳۰۴.

۲. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۳۷.

و ابریشم نیست. آنها را بر سر نیزه‌ها می‌زنند و نام رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر آنها نقش می‌شود و آنها را مردی از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رهبری می‌کند. چون از مشرق حرکت می‌کنند، عطر آنها در مغرب بهتر از مشک و عنبر به مشام می‌رسد.^۱

با بررسی احادیث مربوط به نشانه‌های ظهور روشن می‌شود که به احتمال زیاد منظور از مشرق، ایران است که نهضت‌های مردمی برای یاری حضرت مهدی عَجَلُ اللهُ تَعَالَى از آنجا شروع می‌شود که در سطور بعدی به آن پرداخته می‌شود.

۲-۳. نهضت بزرگ ایرانیان

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «نیروهایی با پرچم‌های سیاه - که از خراسان قیام کرده‌اند - در کوفه فرود می‌آیند و هنگامی که مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در شهر مکه ظهور می‌کند، با او بیعت می‌کنند».^۲ در روایتی از آن حضرت آمده است: «گویی گروهی را با چشم خود می‌بینم که از خاور زمین خروج کرده‌اند، حق را مطالبه می‌کنند و به آنان داده نمی‌شود. آن گاه شمشیرهای خود را حمایل می‌کنند. پس آن را نمی‌پذیرند و قیام می‌کنند و پرچم‌های خود را به دست حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می‌سپارند».^۳ روایات، بیانگر آن است که سید خراسانی هم زمان با خروج سفیانی در ایران قیام می‌کند و زمانی که سپاه سفیانی مشغول کشتار مردم عراق هستند، با سپاهی بزرگ از ایران برای نجات مردم و به خصوص شیعیان و مهیا سازی کوفه برای ورود مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام رهسپار عراق می‌گردد. فرماندهی نیروهای ایرانی، شعیب بن صالح است که از مردان شجاع نامی است. سفیانی که از حرکت سپاه خراسانی با خبر می‌شود سپاهی را برای مقابله با او می‌فرستد که در طرف جنوب ایران در منطقه‌ای به نام استخر به هم می‌رسند و نبرد شدیدی در می‌گیرد. بر اثر شجاعت و فداکاری سپاه

۱. الزام الناصب، ص ۲۵۸؛ یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۴۵.

۲. عقد الدرر، ص ۱۲۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۹.

۳. الزام الناصب، ص ۱۸۸؛ یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۶۵.

ایران، سپاه سفیانی شکست می خورد و عقب نشینی می کند.

امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی می فرماید: «سفیانی، لشکری را به سوی کوفه می فرستد که هفتاد هزار نفرند؛ آنها در آنجا به قتل و کشتار و اسارت مردم می پردازند. در چنین شرایطی پرچم هایی از سوی خراسان به رهبری سید خراسانی (بقيادة الخراسانی)، نمایان می شوند که منزلگاه ها را با سرعت چشمگیری طی کرده و پشت سر می گذارند و در میان آنها، عده ای از اصحاب حضرت مهدی علیه السلام هستند»^۱. و «... وقتی سپاه سفیانی به سمت کوفه حرکت می کند، آنها را برای [درگیری و پیروزی بر] اهل خراسان (ایرانیان) می فرستد که آنها هم به جهت [یاری] حضرت مهدی علیه السلام خارج شده اند. سفیانی و سید خراسانی [حامل پرچم های سیاه] به هم می رسند. در خط مقدم [سپاهیان] سید خراسانی، شعیب بن صالح است. میان او و سفیانی در استخر، جنگ خانمان برانداز شدیدی صورت می گیرد که پرچم های سیاه پیروز شده و لشکر سفیانی متواری و فراری می شوند. به دنبال آن مردم آرزوی [آمدن] مهدی را می کنند و او را می جویند. او هم در مکه قیام می کند؛ در حالی که پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را به همراه دارد و آن هم در زمانی است که مردم از قیام او به خاطر شدت و مدت بلایا و فتنه ها مأیوس شده اند»^۲.

۳-۳. نهضت رهایی بخش از یمن

یکی از قیام های مردمی پیش از انقلاب جهانی مهدوی، خروج سرداری از یمن است که مردم را به راه حق و عدل دعوت می کند؛ نام او یمانی است. قیام وی یکی از عوامل زمینه ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. این نهضت، هدایت بخش ترین حرکت پیش از ظهور است و بر افراشته شدن پرچم آن، نوید دهنده مؤمنان منتظر

۱. الغیبه نعمانی، ص ۱۸۷.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۷۴. و نیز ر. ک: عقد الدرر، ص ۱۲۶؛ فتن ابن حماد، ص ۸۴.

است و در روایات یاری رساندن به آنان توصیه شده است. در این رابطه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قیام خراسانی و سفیانی و یمانی، در یک سال و در یک ماه و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی، دعوت به حق و هدایت نمی‌کند؛ چرا که شما را به [تبعیت از] امامتان دعوت می‌کند. پس از قیام یمانی، خرید و فروش اسلحه، برای مردم و به خصوص مسلمانان ممنوع می‌شود و هرگاه [یمانی]، قیام کرد، به سوی او حرکت کن و بشتاب که آن را پرچم هدایت خواهی یافت. احدی از مسلمانان اجازه ندارد با او مقابله کند و هرکس چنین کند، جهنمی است؛ چرا که یمانی به حق و صراط مستقیم، دعوت می‌کند».^۱ خاستگاه خروج یمانی، سرزمین یمن است؛ چنان که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج می‌کند».^۲ یمانی پس از خروج برای نبرد با سفیانی به سوی شام می‌رود و در مدخل شام، با سپاه خراسانی ملاقات می‌کند که او نیز برای نبرد با سفیانی و برای یاری یمانی بیرون آمده است.^۳ روایات می‌گویند: یمانی در پی نبرد سفیانی با وی، وارد عراق می‌شود. او بامدد از نیروی خراسانی، وارد صحنه کارزار می‌شود. در آن زمان اوضاع کلی جهان، در یک جنگ بزرگ فرهنگی و مدنی خلاصه می‌شود که میدان این جنگ، شام، فلسطین، عراق، ایران و حجاز است. در این معرکه دو دسته و سپاه، در برابر یکدیگر به مبارزه مشغولند: یاوران حضرت مهدی علیه السلام و زمینه سازان قیام ایشان،^۲ حرکت سفیانی و یاری رسانان غربی او (رومیان و یهودیان)...^۴

این حادثه درست قبل از زمان ظهور حجت علیه السلام است؛ چنان که کلینی از امام

۱. الغیبه نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۰۰.

۳. ر.ک: همان، ص ۱۲۱.

۴. ر.ک: نشانه‌های ظهور (پیرامون علائم حتمیه ظهور حضرت حجت)، ص ۱۲۹؛ شش ماه پایانی، ص ۹۰.

صادق علیه السلام نقل کرده است: «اقل الیمانی و تحرک الحسنی و خرج صاحب هذا الامر»؛ «یمانی پیش می‌تازد، حسنی به جنبش درآید و صاحب این امر خروج می‌کند».^۱

۴. گروه‌های خاص

در روایات به نام بعضی از گروه‌ها و دسته‌ها اشاره شده که هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام یا پس از آن، از مناطق و شهرهای مختلف ظاهر شده و به یاری حضرت می‌شتابند. اینان جوانمردان، پاک‌دلان، نیکو خصالان و شجاعانی هستند که با حضور خود در جمع انقلابیون، کمک‌های شایانی در جهت پیروزی نهضت ارائه خواهند داد. احتمالاً آنان به فعالیت‌های مختلف نظامی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی می‌پردازند که در اینجا به اسامی آنها اشاره می‌شود:

۴-۱. اخیار

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «سیصد و اندی در میان رکن و مقام با قائم بیعت می‌کنند...» «اخیار» از عراق در میان آنها هستند. بر پا می‌دارند آنچه را که خداوند می‌خواهد بر پا داشته شود.^۲ اخیار به معنای نیکان و صالحان است که از یاران نزدیک امام علیه السلام بوده و در روی زمین به گردش پرداخته و به امور مردم رسیدگی خواهند کرد.

۴-۲. رفقا و ابدال

در روایتی آمده است «هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام می‌کند، خداوند اهل شرق و غرب را برای او جمع می‌کند، آنان مانند ابر متراکم پاییزی گرد می‌آیند؛ پس رفقا از کوفه و ابدال از شام هستند».^۳

«ابدال» جمعی از صالحان هستند که در هنگام ظهور، خود را از شام به مکه می‌رسانند و با آن حضرت بیعت می‌کنند. اینان مردانی صالح، مخلص و کامل

۱. کافی، ج ۸ و ص ۱۸۹، ح ۲۸۵.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴.

۳. منتخب الاثر، ص ۵۹۷، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

می باشند که احتمالا امور فرهنگی را در دست بگیرند. «رفقا» نیز از کوفه می آیند و بین آنها دوستی و صمیمیت زیادی وجود دارد.

۴-۳. نجبا

امام باقر علیه السلام می فرماید: «سیصد و اندی به تعداد اهل بدر در میان رکن و مقام با قائم بیعت می کنند: نجبا از مصر هستند...»^۱ نجبا از سرزمین مصر می آیند و افرادی پاک سرشت، خوش نفس و جوانمردند.

۴-۴. عصاب

بر اساس روایتی: «عصاب از عراق خروج می کنند که راهبان شب و شیران روز هستند».^۲ عصاب به معنای جوانمردان رشید و نیرومند است و این ویژگی بارز یاران مهدی علیه السلام می باشد.^۳

چهارم. شکل گیری وضعیت انقلابی

وقتی که بسیج عمومی از نیروهای انقلابی صورت گرفته و آنان با سازماندهی مناسب و کار تشکیلاتی، در وضعیت انقلابی قرار گرفتند؛ جرقه های قیام جهانی زده می شود. ابتدا باید دانست که بسیج به سه شکل صورت می گیرد: بسیج تدافعی، بسیج تهاجمی و بسیج تدارکی و این هر سه در مورد انقلاب جهانی مهدوی رخ می دهد. قیام و انقلاب ابتدا حالت تهاجمی و جنگی ندارد، بلکه نهضت مقدسی برای رهایی انسان ها و فرو کاهیدن از آلام و رنج بشری و سوق دادن آنان به کمال نهایی و سعادت سرمدی است. پیام واضح و آشکار این انقلاب «معنویت، عدالت و عقلانیت» است که همگان به آن دعوت می شوند. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریف «*امن یجیب المضطر اذا دعاه*» نقل می کند که فرمود: «... این آیه

۱. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

۲. مفید، اختصاص، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴.

۳. ر.ک: رحیم کارگر، آینده جهان، ص ۲۸۰-۲۷۸.

در مورد قائم است، آن گاه که خروج می کند، عمامه به سر می بندد. پس نزد مقام ابراهیم نماز می گزارد و به پیشگاه پروردگارش زاری می کند؛ آن گاه هیچ چیز و هیچ کس از سلطه و غلبه او خارج نخواهد شد.^۱

از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است: «سپس در حالی که مردم اطرافش گرد آمده اند، به سمت مکه خروج می کند... [آنجا] قیام کرده، می گوید: ای مردم! من فلانی، فرزند فلانی هستم، من پسر رسول خدا هستم. شما را به همان چیزی دعوت می کنم که پیامبر خدا، شما را به آن فراخوانده است». ^۲ از امام صادق علیه السلام نیز نقل است که فرمود: «... به نزد مقام ابراهیم می آید و مردم را به حق فرا می خواند». ^۳

گروه های حاکم در اقصی نقاط عالم - به خصوص حجاز و خاورمیانه - به این دعوت پاسخ منفی می دهند و درصدد سرکوبی این نهضت بر می آیند. آنان حاکمان ستمگر و مفسدی هستند که منافع نامشروع خود را در خطر می بینند و پیام های هدایت گونه و اصلاح گرایانه امام مهدی علیه السلام در آنان تأثیری نمی گذارد. صاحبان زور و زور و تزویر و طرفداران باطل (جبهه کفر و نفاق و فساد)، هجومی گسترده علیه انقلاب جهانی آغاز می کنند و خواهان نابودی آن هستند. در اینجا بسیج حالت تدافعی دارد؛ اما در یک کنش جمعی فعال و پویا و اتحاد و انسجام بی نظیر، بسیج شکل تهاجمی به خود می گیرد و تومار نظام های طاغوتی و فسادگر برچیده می شود. وقتی امام دعوت عمومی خویش را شروع می کند، مردم رنج دیده و از همه جا مأیوس گرداگردش حلقه می زنند و با او بیعت می کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح گر جهان برایش مجهز می شود. در روایتی آمده است: «[یاران قائم] شرق و غرب جهان را می گیرند و تمامی موجودات جهان

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۴، ح ۶۴۴.

۲. همان، ص ۵۸۲، ح ۷۷۱.

۳. همان، ص ۵۸۳، ح ۷۷۹.

را مسخر می‌کنند. هر یک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره‌های آهن سخت‌تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه‌های آهن برخوردند، آنها را پاره می‌کنند و تا وقتی که خشنودی خدا فراهم نشود، دست از قیام نمی‌کشند.^۱

در آن هنگام زمامداران خودسر و ستمگران بی وجدان ندای مخالفت خود را اعلام می‌دارند و از مناطق مختلف و گروه‌های اهریمنی یاری می‌طلبند و از سفیانی گرفته تا یهودیان و غربیان و از قبایل عربی گرفته تا ارتش روم و روسیه، با حق طلبان و عدالت خواهان ستیزه جویی می‌کنند. اما آنان با هم متحد شده و به دشمنان حق و عدالت هجوم می‌برند و با تأییدات الهی ستمکاران را ریشه کن ساخته، از بین می‌برند.

انقلاب و مصاف حق طلبان با باطل‌گرایان

بسیج نیروها (گروه‌های ائتلافی و چالشگر) تحت رهبری امام مهدی علیه السلام، به شکل‌گیری دعاوی و آرمان‌هایی منجر می‌شود که با جامعه سیاسی مستقر سازگاری ندارد. این دعاوی و خواست‌ها بیشتر از آنکه مادی باشد، جنبه ارزشی و هنجاری دارد؛ مانند حق‌گرایی، معنویت‌گرایی، عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی و ... این، آغاز ظهور وضعیت انقلابی است. قدرت این دعاوی (معنویت، عدالت، ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی و ...) که با اهداف بسیج هم‌خوان بوده، سطح تعهد عمومی را به شدت افزایش می‌دهد. طبقه متوسط و پایین جامعه، در این نقطه به بسیج مردم می‌پیوندند و یک ائتلاف مردمی فراگیر و جهانی چند طبقه‌ای را به وجود می‌آورند. شدت و گستردگی بسیج مردم در این زمان، همراه با ترکیب نیروهای مسلح، باعث ناتوانی دستگاه سرکوب دولت‌های جائر شده و به برقراری حاکمیت دوگانه منتهی می‌گردد. در نهایت مصاف نهایی بین دو گروه عمده در جهان (حق و باطل)، منجر

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷۳.

به ایجاد آخرین مرحله بسیج انقلابی و قبضه قدرت دولت (حکومت جهانی) می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اهل سیزده شهر و طائفه با امام قائم نبرد می‌کنند: اهل مکه، اهل مدینه، اهل شام، بنی امیه، اهل بصره، اهل دشت میسان، کردها، عرب‌ها، ضبه، غنی، باهله، ازد، بصره و اهل ری».^۱ امام کاظم علیه السلام درباره تفسیر آیه «وله اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها» می‌فرماید: «این آیه درباره قائم علیه السلام فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی گریان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می‌کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می‌نماید...».^۲ «کفار، بر شهرهای پنج گانه سیحون، جیحون، دجله، فرات و نیل مسلط می‌شوند...».^۳

البته پاسخ گویی و واکنش گروه‌های انقلابی در قبال تهدیدها و جنگ طلبی مخالفان، بسیار مؤثر است و در واقع تهدید، به بسیج تدافعی می‌انجامد (تهدید خارجی‌ای که منجر به گرد آوری منابع برای نزاع می‌شود). از امام علی علیه السلام نقل شده است: «او با تعداد دوازده هزار تن حداقل و پانزده هزار تن حداکثر خروج می‌کند، ترس و وحشت پیشاپیش او (به دل دشمنان) راه می‌یابد. هر دشمنی که با وی بر خورد کند، به فرمان خدا او را از پای در آورد. شعار آنان «بمیران، بمیران» است. در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت گری باک و هراس ندارند. در این وقت هفت لشکر از شام به سوی آنها هجوم می‌آورند که امام علیه السلام جملگی را شکست داده و آنها را به اسارت خویش در می‌آورد و محبت و نعمت و «قاصه» و «بزاره» آنها به مسلمانان بازگردد و پس از آنان جز خروج دجال، حادثه‌ای باقی نمی‌ماند. پرسیدیم: قاصه و بزاره چیست؟ فرمود: امام زمان، حکومت را به دست می‌گیرد، به گونه‌ای که کسی

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۴؛ ح ۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۷۴.

هر چه خواهد، بگوید و از هر چیزی نهراسد».^۱ شعرانی می گوید: «هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام به مغرب زمین می رسد، بخشی از مردم به سوی او رفته، می گویند: ای ولی الله و حجت خدا! جزیره اندلس را یاری کن که خود و مردمش هلاک شده اند».^۲ امام صادق علیه السلام می فرماید: «در آن روز هر کسی از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه باشد، به مکه می گریزد تا در آنجا به صاحب این امر ملحق گردد و صاحب این امر رهسپار عراق شده و لشکری را به مدینه گسیل می دارد تا مردم آن سامان در امنیت به سر برند و مردم دوباره به مدینه برگردند».^۳

رهبری بی بدیل در انقلاب بی نظیر

در شکل گیری وحدت گروه های مبارزه و پذیرش آن از سوی بخش چشمگیری از جمعیت جهان، عوامل مختلفی نقش دارد که مهم ترین آن، مدیریت واحد و رهبری بی بدیل قیام است. همه نیروهای انقلابی و جهادگر، تحت فرماندهی و رهبری امام زمان علیه السلام و اطاعت و فرمانبری کامل او قرار دارند و از مناطق مختلف جهان به صفوف مبارزان و یاران حضرت می پیوندند. رمز این کنش جمعی (وحدت و انسجام) و پیروزی انقلاب جهانی، در راهبری پیامبرگونه حضرت مهدی علیه السلام و همراهی صالحان و مستضعفان و نیروهای انقلابی زنده با این نهضت نهفته است. این امر چنان بدیهی و روشن است که حتی حضرت عیسی علیه السلام نیز تحت رهبری آن حضرت قرار می گیرد: «... امیرشان مهدی علیه السلام است، [به عیسی علیه السلام] می فرماید: نزدیک ای و باما نماز بگزار! اما عیسی می گوید: هان که برخی از شما بر برخی دیگر... فرمان روا و امیر می باشید [پس پشت سر امام نماز می خواند]».^۴ در واقع هیچ

۱. نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۶ (به نقل از: عصر ظهور، ص ۳۳۶).

۲. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۶۰.

۳. کافی، ج ۸، ص ۲۲۴.

۴. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۹۷؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۵.

کدام از این جنبش‌های انقلابی، انفرادی عمل نمی‌کنند؛ بلکه جمع منسجم و متحدی به وجود می‌آورند که در هر جنگی پیروز می‌شوند و در هر کاری موفق می‌گردند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند، خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد».^۱ حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید: «گویا قائم را می‌بینم که سربازانش را به سراسر جهان گسیل می‌دارد»^۲ و نیز «مهدی علیه السلام، یاران خود را برای گرفتن بیعت، به سراسر جهان می‌فرستد و ستم و ستمگران را نابود می‌کند و شهرهای گشوده شده، برای او تثبیت می‌گردد و خداوند به دست مبارکش، قسطنطنیه را می‌گشاید».^۳

عوامل و نشانه‌های دیگر انسجام و وحدت گروهی انقلابیان عبارت است از:

۱. همدلی و همفکری نیروهای انقلابی و هم سو و هم سنخ بودن آنان با اهداف و آرمان‌های قیام؛
۲. بسیج کامل نیروهای انقلابی و قرار گرفتن آنها در صف واحد؛
۳. سازمان یافتگی و برنامه ریزی شده بودن قیام و نظم و ترتیب کامل در پیش بردن امور؛
۴. استفاده بهینه از نیروهای انسانی و امکانات مادی (تسلیحات و تجهیزات کامل نظامی)؛
۵. بهره‌گیری از فرصت‌ها (اصل غافلگیری) و سرعت در فراگیری و گسترش انقلاب؛
۶. شکوه و توان بی‌نظیر نیروهای انقلابی و افتادن رعب و ترس در دل دشمنان در سایه وحدت و کنش جمعی آنان؛
۷. جلوگیری از حضور گروه‌های نفاق و نفوذ آنان در صف انقلابیون.

پنجم. نتیجه انقلاب

با وحدت و انسجامی که در صفوف انقلابیون به وجود می‌آید (بسیج منابع و کنش

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، ح ۴۱۵.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴.

جمعی)، دستاوردهای بیشتری به دست می‌آید؛ در نتیجه اهداف به سرعت قابل دسترسی می‌شود. انقلاب، با هدف ایجاد تغییر در جامعه، به وجود می‌آید و صالحان و شایستگان جانشین مجموعه قبلی می‌شوند.

روشن شد که هر قدر وضعیت انقلابی گسترده‌تر باشد، نتیجه انقلاب (انتقال قدرت) نیز گسترده‌تر خواهد بود. از آنجایی که انقلاب مهدوی، فراگیر و جهان شمول است و بسیج منابع نیز به صورت گسترده از نیروهای انقلابی صورت می‌گیرد، انتقال قدرت نیز فراگیر بوده و شامل همه نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان می‌شود. امام مهدی علیه السلام در مرحله آغازین پیروزی، همه حکام جور و ستم را برکنار می‌کند و صالحان حق طلب و عدالت گستر را به جای آنها منصوب می‌نماید: «... لیعزلنَّ عنکم امراء الجور ویطهرنَّ الارض من کلِّ غاش»؛^۱ «... حکمرانان ستم پیشه را عزل می‌کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریبکار پاک می‌سازد». امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که امام قائم قیام می‌کند، دولت باطل بر چیده می‌شود (اذا قام القائم ذهب دولة الباطل)»^۲ و «همانا نابودی پادشاهان ستمگر و ظالم به دست قائم ما است (ان زوال ملک الجابرة و الظلمة علی ید القائم منّا)».^۳ به این ترتیب همه شهرها و کشورهای جهان را یک به یک از دست حکام فسادگر و ظالم خارج می‌کند و انقلاب جهانی خود را به همه جای عالم گسترش می‌دهد. این خیزش و جنبشی است که حق طلبان و مستضعفان عالم را در خود جای می‌دهد و در نتیجه اتحاد فراگیر و کنش جمعی و همگانی، به پیروزی می‌رسد. آنچه در این قیام نمود بیشتری دارد، شمول نجات بخشی و حق گستری آن، به همه طبقات و گروه‌های جامعه و به تمامی کشورها و مناطق عالم است. این نشانگر گسترده بودن وضعیت انقلابی و در نتیجه

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۲. منتخب الاثر، ص ۵۸۷، ح ۴۰۳.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۴، ح ۵۱.

حتمی بودن انتقال قدرت است.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «قائم سه پرچم را برای [عملیات در] سه نقطه آماده می کند: پرچمی را به قسطنطنیه گسیل می دارد و خداوند آنجا را برای او می گشاید. پرچم دیگری را برای چین می فرستد و آنجا نیز به دست حضرت گشوده می گردد و پرچم سوم را به کوه های دیلم می فرستد و آنجا نیز به تصرف نیروهایش در می آید». ^۱ از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «مهدی می رود تا در بیت المقدس فرود آید، خزائن را نزد او می آورند. عرب و غیر عرب و جنگ افروزان و رومیان (غریبان) و دیگران، جملگی به اطاعت وی در می آیند». ^۲

«... سفیانی بیعت خود را از امام علیه السلام باز پس می گیرد... آن گاه لشکریان خود را برای مبارزه با آن حضرت بسیج می کند. امام علیه السلام وی را شکست داده و خداوند رومیان (غربی ها) را نیز به دست آن بزرگوار شکست خواهد داد». ^۳ امام باقر علیه السلام می فرماید: «... خداوند به دست او سرزمین های روم، چین، ترک، دیلم، سند، هند، کابل، شام و خزر را می گشاید». ^۴

از نتایج درخشان انقلاب مهدوی، به وجود آمدن وحدت و انسجام پایدار در جهان است. در روایتی درباره امام عصر علیه السلام آمده است: «هو الذی یجمع الکلم و یثم النعم»؛ ^۵ «او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می کند و نعمت را کامل می سازد». بر اساس این روایت کنش جمعی که در طول انقلاب به وجود آمده و باعث پیروزی آن شده است، بعد از انقلاب نیز وجود داشته و همه انسان ها از تفرقه، جدایی،

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۵.

۲. نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۶ (به نقل از: عصر ظهور، ص ۳۳۶).

۳. همان، ص ۹۷.

۴. الغیبه نعمانی، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۵. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۶۳.

اختلاف و چندگانگی به دور خواهند بود. این همدلی و اتحاد کم نظیر در همه امور - حتی در اعتقادات و باورها - نیز به وجود خواهد آمد: «فوالله ليرفع عن الملل و الاديان الاختلاف...»^۱، «به خدا قسم! در آن روز اختلافات میان ملت‌ها و دین‌ها رفع می‌شود...» و «لذهبت الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم»^۲؛ «کینه‌ها و دشمنی از قلوب بندگان می‌رود و درندگان و چهارپایان در صلح [با هم] زندگی می‌کنند». در روایت دیگری آمده است: «... خدای بزرگ [به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه] حق و عدالت را در آبادی‌ها آشکار می‌سازد و حال عموم مردم را بهبود می‌بخشد. وحدت کلمه را پدید می‌آورد و بین قلب‌های گوناگون، الفت ایجاد می‌کند (یجمع الله الكلمه و يؤلف بين قلوب مختلفة)»^۳.

در نتیجه این اتحاد و انسجام، جنگ و ستیزه جویی‌ها به پایان می‌رسد و همه برادر وار و دوستانه با هم زندگی می‌کنند: «روزها به پایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از قریش، در بیت المقدس فرود می‌آید... و جنگ‌ها نیز به پایان می‌رسد»^۴. از امام علی عجل الله تعالی فرجه نیز نقل شده است: «... و جنگ‌ها به پایان می‌رسد و...»^۵.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۷.

۴. عقد الدرر، ص ۱۶۶.

۵. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۰۴.